

## در پیچه

## نبرد نابرابر داوطلبان جوان با ابولا

«بری اندروز» | مدیرعامل سازمان بین‌المللی گل\*

این‌جا امکانات موردنیاز را در اختیار ندارند و انبوهه مسئولان و سازمان‌های جهانی که وظیفه حمایت از آنها را برعهده دارند نیز نمی‌توانند نیازهای آنها را برطرف کنند. بدون اغراق باید گفت که چنین کمبود امکاناتی در هیچ زمینه‌ای قابل پذیرش نیست اما با وجود این خطرات کارکنان بهداشتی همچنان به انجام وظایف خود ادامه می‌دهند.

تیم پزشکی از رختکن خارج شدند و به سوی آمبولانس رفتند.

در ذهنم تصور کردم که بیمار چه کسی می‌تواند، باشد؟ جوان ۲۰ ساله‌ای که بعدها در خصوص بیماری‌اش و آن‌همه جاروجنجال لاف‌گراف خواهد زد.

چند لحظه بعد در آمبولانس باز شد و دست‌های کوچکی از آن بیرون آمد، دخترک بیش از ۸ سال نداشت. بیش از ۸ سال نداشت. از آمبولانس خارج شد و دست‌هایی دستکش پوش دست‌های او را گرفتند. فکر کردم که دختر بچه باید وحشت‌زده و هراسان باشد؛ اما لحظه‌ای بعد برگشت تا به من نگاه کند و دیدم که لبخندی بر صورت کوچکش نقش بسته است.

فکر می‌کنم او برای بهبودی‌اش فرصت خوبی به دست‌آورده است و شاید هم اصلا مالاریا گرفته باشد.

به هر حال در مقایسه با دیگر مبتلایان به ابولا او خیلی خوش‌شانس است که به این‌جا رسیده است. واکنش بین‌المللی به شیوع بیماری در ۶ ماه گذشته وضع اسفباری را از سر گذراند. افرادی که در خصوص فاجعه فریب‌الوقوع هشدار می‌دادند به جنجال‌آفرینی محکوم شدند و افراد نزدیک به تصمیم‌گیرندگان مواضع دفاعی اتخاذ کردند و به جای اقدام مناسب، تلاش کردند از مقام و شهرت خود دفاع کنند.

سازمان‌های خیریه در فراموش آوردن بودجه مورد نیاز اعطالف به خرج ندادند و

آمبولانس به دروازه بیمارستان رسید و راننده که لباس مخصوص پوشیده بود علامت داد تا اجازه دهند وارد شود، اما تیم پزشکی هنوز آماده نبود و راننده مجبور شد خودرو خود را خاموش کند و منتظر بماند.

بیمار به یک واحد قرنطینه منتقل شد که به تازگی و با کمک آژانس کمک‌های انسان‌دوستانه «گل» راه‌اندازی شده بود. واحد قرنطینه یک چادر برزنتی است که ۳ اتاق مجزا دارد و پشت و چاروی در حیاط یک بیمارستان کوچک برپا شده است.

۲ تا ۳ اتاق‌ها به عنوان رختکن و اتاق میانی برای بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در خارج از چادر و در کنار حصار آن گودالی برای از بین بردن «تجهیزات ایمنی فردی» و مواد دیگر تعبیه شده است.

هرچند که ساده به نظر می‌رسد اما با این حال احداث یک واحد قرنطینه خیلی فراتر از بیا کردن یک چادر و کشیدن حصاری دور آن است.

به عنوان مثال در خصوص سطل ۲۵ لیتری آب کلر، به دلیل کمبود جا ابتدا قرار شد که

این سطل را در خارج از چادر قرار دهیم، اما بعد که باد بارش باران افتادیم ناچار شدیم دوباره سطل را به داخل برگردانیم.

پزشک مرکز این سطل را آن روز صبح با پول خودش خریده بود. پمپ‌دستی کلر کار نمی‌کرد و بنابراین آن را در ساختمان اصلی قرار دادند تا از آلودگی در امان باشد. یک شیشه نمک کلر دار آوردند و دستیاران می‌خواستند محلول را بدون آن که مجبور باشند هر بار ترکیبات آن را وزن کنند، تهیه کنند. دکتر یک بطری ۲ لیتری دست‌وپا کرد و با خط و علامتی بالای آن را مشخص کرد تا آن‌ها به‌عنوان پیمانهای برای درست کردن محلول استفاده کنند.

مراحل احداث یک واحد قرنطینه در چنین شرایطی آغاز شد

در نهایت اعضای تیم روپوش‌های خود



عکس: gettyimages

کلینیک بعدی تعطیل بود، در این کلینیک یک بیمار مبتلا به ابولا جان باخته‌بود و همه کارکنان آن باید ۲۱ روز در قرنطینه به سر می‌بردند. مقصد بعدی یک کلینیک خصوصی بود. مسئول این کلینیک آن را به خاطر نبود تجهیزات مناسب تعطیل کرده بود و ما تلاش کردیم لوازم ضروری را در اختیار او قرار دهیم.

اقدام موردنیاز به لیبری ارسالی می‌شود اما مراحل بوروکراتیک و کاغذبازی‌های بیش از حد زمان زیادی را حذر می‌دهد. ما حتی با دستور مستقیم اوپاما برای مقابله با ابولا نیز قادر نخواهیم بود مراکز درمانی موردنیاز را احداث کنیم. محدودیت‌ها بسیار جدی است و اطلاع‌رسانی همچنان گنگ و مبهم است. ما به آنها می‌گوییم به مبتلایان به ابولا دست نزنند، اما چنین چیزی دیگر امکان‌پذیر نیست. هیچ‌جایی برای مراقبت از عزیزان وجود ندارد. وقتی یکی از اعضای خانواده‌ای بیمار می‌شود، به آنها می‌گوییم چطور به آنها کمک کنند



که خودشان در خطر قرار نگیرند. مردم این‌جا وقتی یکدیگر را می‌فشارند، حالا هیچ‌کس چنین کاری انجام نمی‌دهد و این رسم از شکل معمول خود خارج شده است. وقتی در پیاده‌روهای این‌جا راه می‌روید باید حواستان باشد که به کسی برخورد نکنید. کارکنان حالا دیگر خودرو در اختیار دارند و از وسایل حمل‌ونقل عمومی نظیر تاکسی استفاده نمی‌کنند و ما به‌طور مداوم دست‌هایمان را با مواد سفیدکننده می‌شویم.

همدلی و شجاعت مردم اینجا مرا غافلگیر کرده است. کارکنان بهداشتی اقلام ضروری را در اختیار ندارند، اما با این حال همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. در حقیقت هدف اصلی ما زنده نگاهداشتن آنهاست. هرچند که خانواده‌ها نگران من هستند، اما من تلاش می‌کنم مراقب باشم و احساس می‌کنم مشغول کاری هستم که باید انجام دهم.

به اجساد قربانیان دست نزنند. وقتی که عزیزتان جان می‌بازد می‌خواهید او را در آغوش بگیرید، اما این‌جایی نمی‌توانید چنین کاری انجام دهید. من پیش از همکاری با سازمان توسعه در ارتش صلح مشغول به کار بودم. مادر من در بروکلین زندگی می‌کند و وقتی به او خبر دادم کارم در وال‌استریت را رها کرده‌ام یک هفته گریه کرد. اما خانواده من از اهمیت این کار آگاه است. اداره مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری را برعهده دارد از مرکز بهداشت و خدمات وزارت دفاع آمده است و یک آتش‌نشان از لس‌آنجلس داریم. ما همه در تلاشیم تا واکنش و اقدام در خصوص بیماری را گسترش دهیم.

بخش عمده کار ما آموزش در تشخیص درست و غلط بیماری، شیوه‌های کنترل عفونت و راه‌اندازی آزمایشگاه‌ها و درمانگاه‌هاست. زیرساخت‌های درمانی اینجا حتی پیش از شیوع ابولا نیز با چالش‌های جدی مواجه بوده است.

من به تازگی دولت‌تاون رفتم تا بر کمک‌های مالی امکانات بهداشتی نظارت کنم. ما می‌خواهیم در آن‌جا مرکز بسیاری را برای سرعت بخشیدن به آزمایش‌ها و بیماری‌راه‌اندازی کنیم، چرا که برای رسیدن به نزدیک‌ترین آزمایشگاه باید دست‌کم ۴ ساعت در جاده‌های نامناسب رانندگی کنید و تشخیص بیماری یک فرد روزها به طول می‌انجامد. پیش از این مردم این شهر در قرنطینه به سر می‌بردند و مردم این شهر در بهت و حیرت قرار دارند.

من در این شهر مرد جوانی را دیدم که با استفاده از یک بلندگو با مردم صحبت می‌کرد و به آنها در خصوص ابولا هشدار می‌داد و از آنها می‌خواست تا با کمک یکدیگر بیماری را متوقف کنند. جوانان خودرو ما را متوقف کردند و از ما خواستند تا از خودرو پیاده شویم و در صفی بایستیم تا دمای بدن ما را کنترل کنند. هیچ فردی هم از این آزمایش مستثنی نبود. آنها دمای بدن ما و تاریخ آن روز را یادداشت کردند و به لباس‌های ما متصل کردند. من می‌خواهم آن کاغذ را با خود نگه‌دارم.

آنهايي که دمای بدنشان از حد عادی بیشتر بود از دیگران جدا می‌شدند و از آنها تست‌های دیگری نیز انجام می‌دادند. مردم درحالی که آنها در انتظار آزمایش‌هایشان بودند برایشان آب و غذا می‌آوردند که خوشبختانه هیچ‌کدام از آنها به ابولا آلوده نبود. مشاهده همکاری مردم این جامعه برای حل این مشکل در کنار یکدیگر شگفت‌انگیز است. مسأله مهم در این‌جا حفظ نظم امور است که بسیار دشوار است. ما باید به خانواده‌ها یاد بدهیم که آموزش دهیم.

## تغییر تاکتیک‌ها



## دن وارد، تیم‌های پزشکی بین‌المللی

## لیبری

من در آفریقا بزرگ شده‌ام، پدر و مادرم مرا وقتی که ۶ ماهه بودم از تانزانیا به اینجا آورده‌اند. من یک متخصص برنامه توسعه در اوگاندا هستم و امروز به لیبری آمده‌ام تا تدارکات موردنیاز برای مقابله با شیوع ابولا را فراهم کنم.

نیازها همواره در حال تغییرند و ما هم نیازمند تغییر تاکتیک‌ها هستیم. ما چقدر مرکز درمانی در مورد ابولا داریم. یک روز را در خیابان‌ها، از کلینیک به کلینیک دیگر در رفت و آمد بودیم تا نیازهای ضروری را بررسی و ارزیابی کنیم. در نخستین کلینیکی که مورد بازدید قرار گرفت ۲۰ نفر در بخش درمان‌های سریایی حضور داشتند، اما کارکنان درجه حرارت بدن آنها را اندازه‌گیری نمی‌کردند. این احتمال وجود داشت که بیماران به ابولا مبتلا باشند اما مسئولان درمانی از این موضوع مطلع نبودند. ابولا این چنین گسترش می‌یابد. ما باید به کارکنان بهداشتی آن‌جا در خصوص ابولا آموزش دهیم.



ظرفیت اقدامات سازمان‌های غیردولتی را محدود کردند. آنچه امروز اهمیت دارد یافتن دریچه‌ای به سطح مناسبی از تصمیم‌گیرندگان است.

البته دولت ایرلند می‌تواند بودجه بیشتری را برای این امر فراهم کند و همچنین می‌تواند از حمایت ارتش و صنایع داروسازی برای مقابله با بیماری استفاده کند. پزشکان و مدیران سلامت امکانات مختصری در اختیار دارند و سازمان سلامت انگلستان نیز نیروی انسانی سازمان‌های غیردولتی را به کار گرفته، هر چند که باز هم با کمبود نیرو مواجه است.

ارتش ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند در ساخت واحدهای پزشکی مفید واقع شود. در نهایت شرکت‌های بزرگ داروسازی ایرلند نیز می‌توانند کمبود اقلام موردنیاز را به راحتی برطرف کنند.

همان‌طور که گفته می‌شود، برای انجام کار درست هیچ‌گاه دیر نیست. گشورهایی که به ابولا مبتلا شده‌اند به کمک ما نیازمندند.

منبع: ایندپندنت  
\* سازمان گل در سال ۱۹۷۷ در دوبلین تأسیس شد و به فراهم‌آوردن کمک‌های انسان‌دوستانه برای فقیرترین مردم جهان مشغول است.